اخبار: با نویسندگان (من نمی توانم یک نویسنده حرفه ای باشم)

باباوند، حمید

لواسانی، سید مسعود

کاری که الان انجام می‏دهم،یک مستندگونه‏ است؛جمع‏آوری حوادث جهان که در طول پنج‏ سال اخیر از روزنامه‏ها بریده‏ام و به انتخاب خودم‏ نوع حادثه را گلچین کرده‏ام و حالا هم دارم اینها را تدوین می‏کنم،با نام«سفره مرگ». علت انتخاب این موضوع حقیقتا این است که فعلا تمایل چندانی به نوشتن ندارم و ترجیح می‏دهم‏ دنبال داستانها و سرگذشتهای واقعی بروم و روی‏ این‏جور نمونه‏ها کار کنم،ولی چون قصد نوشتن‏ به هیچ وجه نداشتم،این گلچین حوادث را هم از

من نمی‏توانم یک‏ نویسنده حرفه‏ای باشم

به کوشش:

حمید باباوند-سید مسعود لواسانی

حسن خادم:

«فعلا تمایل چندانی به نوشتن ندارم»

خادم:«آخرین کارم،«سفره مرگ»به شیوه رمان است،ولی نه به معنایی‏ که رمان اصطلاحی دارد و ساختاری که رمان دارد.عنوان اولش«الحوادث» بود که بعضی دوستان گفتند«سفره مرگ»بهتر است،خصوصا که هر حادثه‏ای به مرگ شخص یا عده‏ای منتهی می‏شود.جذابیّت این کار برای من فقط نوع حادثه‏ها و حالتهای آن بود.»

ساختار این نوع حوادثی که گلچین کرده‏ام به گونه‏ای بود که یا از حالت‏ عادی خارج بود یا جاذبهء خاصی داشت که باعث شد اینها را در کنار هم‏ قرار دهم؛مرگ به طور ناگهانی و بدون اینکه انسان انتظارش را داشته‏ باشد،می‏آید و منظور بیشتر این بود که خواننده به نوعی متوجه مرگ‏ باشد

قبل از جمع‏آوری کرده بودم،گفتم حالا روی همین‏ کار کنم تا بعد...

در حوزه ادبیات و نشر؛این باند بازی‏هایی که من‏ دارم می‏بینم الان در جامعه وجود دارد و این‏ گرایشات دسته‏ای و باندی و گروهی،که خالی از حمایت واقعی از نویسندگان است،روی نویسندگان‏ و کسانی که به این حوزه علاقه‏مند هستند تأثیر می‏گذارد.طبعا روی خودم هم اثر گذاشته است- البته من کار خودم را می‏کنم-از حالا به بعد می‏خواهم شیوه‏ام را عوض کنم و بپردازم به‏ ماجراهای واقعی و حوادثی که واقعیت دارد،این‏ موضوع برای من جذابیت دارد تا اینکه بخواهم به‏ کارهایی که زاییده ذهن و تخیل است بپردازم. البته نمونه این کار«سفره مرگ»را در«همسایگی‏ ما»هم داشتم،یعنی در برخی قسمت‏های‏ «همسایگی ما»برشهایی داشت؛یا ابتدای فصلها یا داخل متن،که تکیه‏هایی از حوادث جهان را آورده‏ام و تدوین کرده‏ام و داخل رمان کار شده‏ است.البته بی‏ارتباط هم نیست و درعین‏حال‏ می‏توان گفت که ارتباطی هم ندارد.

«سفره مرگ»به شیوهء رمان است،ولی نه به‏ معنایی که رمان اصطلاحی دارد و ساختاری که‏ رمان دارد.امروز این را نمی‏توان به معنای واقعی‏ یک رمان-داستان بلند دانست.«سفره مرگ»ارگ‏ در یک جلد یا در دو جلد،حدودا 700 صفحه؛حاوی‏ 600 حکایت است که همهء آنها اتفاقات ناگواری‏ است که برای افراد گوناگون در جوامع گوناگون‏ رخ داده است.این است که نه می‏تواند مجموعه‏ داستان کوتاه قلمداد شود و نه می‏تواند رمان یا داستان بلند شود.یک کار نویی است.عنوان اولش‏ «الحوادث»بود که بعضی از دوستان گفتند«سفره‏ مرگ»بهتر است،خصوصا که هر حادثه‏ای به مرگ‏ شخص یا عده‏ای منتهی می‏شود.جذابیت این کار برای من فقط برای نوع حوادثی که گلچین کرده‏ام‏ به گونه‏ای بود که یا از حالت عادی خارج بود یا جاذبهء خاصی داشت که باعث شد اینها را در کنار هم قرار دهم؛مرگ به طور ناگهانی و بدون اینکه‏ انسان انتظارش را داشته باشد،می‏آید و منظور بیشتر این بود که خواننده به نوعی متوجه مرگ‏ باشد یا یک نوع یادآوری باشد برای چیزی که‏ ممکن است هر لحظه پیش بیاید و انتظارش را نداشته باشم.البته بیشتر از این نوع یادآوری خود حوادث برایم جذابیت داشت.

آخرین اثر داستانی من که چاپ شد،«باغهای‏ مرمر»بود که سال 80 چاپ شد که متأسفانه توزیع‏ بدی دارد.اگر کسی بخواهد این کتاب را تهیه کند، باید فقط به نشر روزنه مراجعه کند.خوانندگان‏ اغلب سراغ من را می‏گیرند و از من سؤال می‏کنند که کتاب را چطور می‏شود پیدا کرد که من هم‏ آدرس انتشارات را به ایشان می‏دهم. متأسفانه دردی که ما نویسنده‏ها داریم،این است‏ که کسی از نویسنده حمایت نمی‏کند.من 15 کتاب‏ چاپ کرده‏ام،اما در این مملکت به این بزرگی شاید واقعا کسی به فکر نویسنده‏ها نیست. این وضعیتی که من دارم،بایکوت،سانسور،گریم‏ و...داریم فراموش می‏شویم.مطرود می‏شویم و هیچی،دیگر تمام می‏شویم.از دید خیلیها تمام‏ شده‏ایم.کتاب«خشم وعصیان»که راجع به خلقت‏ انسان است و توسط«نشر بقعه»چاپ شد،ارشاد قرار بود این کتاب را بخرد،ولی نخرید.من نمی‏دانم‏ واقعا این کتاب که این همه زحمت کشیده شده، آیا واقعا ارزش نقد،معنی و یا خرید را ندارد؟چرا این کتاب هیچ کجا نیست؟چرا ارشاد این کتاب را نمی‏خرد؟دکتر علیرضا بهشتی می‏گفت در ارشاد یک سانسور عجیبی در مورد کارهای شما وجود دارد.

اکبر خلیلی:

«من نمی‏توانم یک نویسنده حرفه‏ای‏ باشم»

یک مجموعه داستان به اسم«تافتون»که‏ الان 5 سال است در کشورهای واحد ادبیات حوزه‏ هنری«آب خنک می‏خورد»یا به قول معروف‏ خاک می‏خورد.اما آنهایی که در آن مجموعه‏ هستند می‏گویند جایش خوب است و دارد آب‏ خنک می‏خورد؛یعنی زندانی است!

شاید حدود 5-4 سال است که بنده قرارداد آن را امضاء کرده‏ام و در قفسه‏های آنجا زندانی است. وقتی هم که پیگیری می‏کنم اخیرا آقای مؤمنی‏ قول داده‏اند و گفته‏اند که تعدادی از کتابها می‏خواهد چاپ شود.از جمله این کتاب مجموعهء هشت‏ داستان کوتاه،فکر می‏کنم 80 صفحه‏ای بشود.

الان فراموش کرده‏ام چه داستانهایی بوده است. سالهاست دارم قولش را می‏شنوم،اما خبری نیست. آخرین کاری که نوشته‏ام و هنوز منتشر نکرده‏ام، یکی رمان«فتوا»است که داردم جلد سومش را تمام می‏کنم و یک رمان دیگر هم هست به اسم‏ «معجزه انجیر»که آن هم 150 صفحه‏ای می‏شود که حکایتی در مورد مسائل روز است-البته نه‏ مسائل سیاسی-یکسری مسائل است مربوط به‏ یکی از نویسنده‏ها؛درگیری‏ها و خاطراتی که با آقای«محمود گلابدره‏ای»بوده در این رمان است.

خلیلی:«کسی به فکر نویسنده‏ها نیست.یعنی‏ اگر در وزارت ارشاد را ببندی یا نبندی،برای‏ نویسندگان اثری ندارد. چون برای آنها نویسنده‏ وجود ندارد.ما در لاک‏ خودمان فرا رفته‏ایم. برای خودمان‏ می‏نویسیم تا وقتی که‏ آن ملک بزرگ بیاید و خط بطلانی بر همه این‏ جریانات بکشد.»

موضوع کتاب«معجزه انجیر»حکایتی است مربوط به 15 سال پیش که رخ داده است.یک مشکلی‏ برای آقای«محمود گلابدره‏ای»به وجود آمد و این مسأله،اتهام قتل پدرش بود که نویسنده‏ها فعالیتهایی کردند به همراه خانواده ایشان و همه‏ ما دست به دست هم دادیم که بتوانیم برای ایشان؛ البته نه راه گریز در واقع این مسأله را روشن کنیم‏ که آیا واقعا ایشان دست به چنین کاری زده است‏ یا نه؟

و بعد یک جریانهای پشت پرده‏ای ایشان را اذیت‏ کرد و آزار داد وادار شد به این که ایشان از ایران‏ رفت و ده سال بعد به ایران بازگشت.و این مسایل‏ ادب و هنر و مسایل سیاسی و همه چیز مربوط به‏ این دروه را کار کرده‏ام(البته برای اولین بار است‏ که ماجرای آن را تعریف می‏کنم).

نمی‏دانم چه وقت این کتاب تمام می‏شود.البته‏ یکسری درگیریهایی که من با کتاب فتوا دارم که‏ تحقیقات آن بیشترین وقت من را می‏گیرد،فرصتی‏ به من نمی‏دهد که گوشه‏ای بنشینم و تمامش‏ کنم.

شما باید بدانید که من کار می‏کنم و باید خرج و روزی‏ام را در بیاورم.از ساعت هفت صبح تا هفت‏ شب می‏آیم اینجا-محل کارم-و بعضی شبها اگر خدا یاری‏ام کند و بتوانم بنشینم،با این نوع مسائل‏ من نمی‏توانم یک نویسنده حرفه‏ای باشم.با مسائل‏ و مشکلات روزمره‏ای که همه درگیرش هستند و مسلما من نمی‏رسم به کارهای رمان و داستان، مگر اینکه خداوند توفیقی به ما بدهد و ما بتوانیم‏ کاری انجام بدهیم.

کتاب«فتوا»در رابطه با زندگی«شاه»نوشته شده‏ است،یعنی زندگی شاه توأ با حوادث سیاسی و تاریخی معاصر آنکه از سال 1330 شروع می‏شود تا سال 1343 به پایان می‏رسد.وضعیت اجتماعی‏ و جامعه ایرانی در سال 1330 تا سال 1340 را کاملا مطرح می‏کند.زندگی خصوصی شاه و خانواده او، تا اندازه‏ای که تمام رمان را اشغال می‏کند.البته‏ تا اندازه‏ای به زندگی حضرت امام هم پرداخته‏ام. زندگی این خانواده به صورت کلافی سر در گم با مردم ایران به وجود آمده است.بررسی این موضوع‏ که چطور انقلاب اتفاق افتاد،ولی من به انقلاب‏ به آن صورت نپرداخته‏ام.

این رمان بافت‏های اصلی جامعه ایرانی را بررسی‏ می‏کند،یعنی در جامعه آن زمان به خصوص تهران‏ آن زمان لایه‏های درونی مردم جنوب شهر تهران‏ و آن افراد فقیری که در جامعه زندگی می‏کردند سیر می‏کند.یعنی بررسی جامعه‏ای که شاه در آن‏ زندگی می‏کند.13 سال است که روی این مجموعه‏ کار می‏کنم،تحقیق و مطالعه می‏کنم و می‏نویسم. مطلبی که می‏خواستم اینجا بگویم این است که‏ کسی به فکر نویسنده‏ها نیست،یعنی اگر در وزارت‏ ارشاد را ببندی یا نبندی،برای نویسندگان اثری‏ ندارد.یعنی اگر وزارت ارشاد هم وجود نداشته باشد، به حال یک نویسنده کوچکترین اثری ندارد،چون‏ برای آنها نویسنده‏ها وجود ندارند و ما در لاک‏ خودمان فرو رفته‏ایم.برای خودمان می‏نویسیم تا وقتی که آن ملک بزرگ بیاید و خط بطلانی بر همهء این جریانات بکشد.

جمال میر صادقی:

جهان داستان غرب

«جهان داستان غرب»که انتشارات نگاه حروفچینی‏ کرده و آماده چاپ است،حدود 300 صفحه است‏ و در زمینه ادبیات یونان باستان،آثار نمایشی و تألیفات یونان و رم باستان و مجموعه مقالات‏ دیگری است که قبلا منتشر شده بود و حالا کامل‏ شده است.اکر کسی بخواهد بداند ادبیات چیست، خیلی به دردش می‏خورد.کتاب دیگری دارم به‏ اسم«جهان داستان ایران».جلد اول آن چاپ شده‏ و جلد دوم آن را دارم کار می‏کنم که حدود یک‏ سال طول می‏کشد.جلد اول به نسل اول‏ داستان‏نویسی می‏پردازد.جلد دوم نسل دوم‏ داستان نویسان هستند از 1332 تا انقلاب اسلامی‏ که آثاری را به وجود آوردند.

نسل اول نویسندگان متقدم؛جمالزاده،هدایت، بزرگ علوی،ابراهیم گلستان،چوبک،به‏آذین، دانشور و آل‏احمد،این هشت نویسنده از نسل اول‏ نویسندگان.در جلد دوم این کتاب از نویسندگان‏ 32 تا 59 صحبت می‏کنم،یعنی یکی از آثار کلیدی‏شان را انتخاب با آن آشنا شود.شروع می‏شود از:ساعدی،احمد محمود،گلشیری،خود من،امیر فقیری،

اسماعیل فصیح،فریدون تنکابنی،محمود کیانوش، بهرام صادقی و...حدود 25 نویسنده که داستانی‏ انتخاب شود به همراه شرح آن.

میثاق امیر فجر:

پنج گنج

میثاق امیر فجر که این روزها 17 جلد از مجموعهء 22 جلدی کتاب«پیامبر»را در دفتر نشر فرهنگ‏ اسلامی منتشر کرده است،خود برای «پنچ‏گنج‏ معنا»آماده می‏کند.

این کتاب از 5 قسمت تشکیل شده و در هر بخش‏ به زندگی و آرای یکی از متفکرین پرداخته می‏شود. سقراط،فردوسی،خیام،سهروردی و محی‏الدین‏ عربی،پنج متفکر هستند که از طرف امیر فجر برای حضور در این کتاب برگزیده شده‏اند.

مجید قیصری:

داستان غیرجنگی

داستان بلند«ضیافت به صرف گلوله»در سال‏ گذشته آخرین کتاب منتشر شده مجید قیصری‏ بود.او در روزهای گذشته داستان«بنویس تا دیر نشده...»را در مجله کمان چاپ کرد که داستان‏ کوتاهی درباره یک اسیر ایرانی در اردوگاههای‏ عراق است.

قیصر در این روزها سرگرم نوشتن یک داستان‏ غیرجنگی است.

یعقوب آژند:

تحقیقات تاریخی

یعقوب آژند پژوهشگر نام آشنایی که دوره‏ای در سالهای پیش‏تر،عضو شورای سردبیری ماهنامه‏ ادبیات داستانی نیز بود،بعد انتشار کتاب«نقاشی‏ و نقاشان دوره قاجار»مشغول نگارش تاریخ نقاشی‏ ایران برای انتشارات سمت است.

آژند جلد دوم هنر معماری اسلامی را که مربوط به قرون هفتم تا بیستم است را در همین انتشارات‏ و کتاب‏های تیموریان و بویه‏یان را در انتشارات‏ مولا زیر چاپ دارد.

کیوان امجدیان:

غولی برای کودکان

احتمالا عده کمی از خوانندگان ادبیات داستانی، هفته‏نامه کیهان بچه‏ها را هم می‏بینید.کیوان‏ امجدیان که داستان دانباله‏دار«غول قاجار»را در این مجله به صورت هفتگی می‏نویسد،داستان‏ کودکی امام رضا(ع)را برای انتشار به نشر اسپید سپرد.او که دستی در کار تحقیقات ادبی هم دارد، دل‏مشغول پژوهشی درباره ادبیات عامه‏پسند است.

سید مهدی شجاعی:

ترجمه‏هایی برای کودکان

سال پیش مجموعه داستانهای سید مهدی شجاعی‏ در«سانتاماریا»جمع و منتشر شد.سید ده کتاب‏ داستان ترجمه برای کودکان را در انتشارات خودش، «نیستان»زیر چاپ دارد.

علی آقاغفار: اگر مشکلات نبود

علی آقا غفار می‏گوید اگر مشکلات اقصادی بگذارد، طرحهای زیادی برای نوشتن دارم.

آقاغفار در انتظار چاپ کتاب«قاب آبی»که خاطرات‏ داستان شده درگیری نیروهای سپاه با ناو آمریکایی‏ است.کتابهای«نخل و قناری»و«سرود قناری‏ها» درباره اشغال و آزادی خرمشهر آخرین کتاب‏ داستانهای چاپ شده او در سال قبل است.

محسن پرویز:

از یک زاویه دیگر

داستان یک دختر جوان جانباز،رمانی است که‏ دکتر محسن پرویز نگارش آن را آغاز کرده است. او همچنی سرگرم نوشتن داستان کوتاهی برای‏ سروش است.

باید همین روزها منتظر انتشار داستان زندگی‏ حضرت یعقوب(ع)با روایت دکتر پرویز توسط کیهان باشیم.او که این روزها حسابی فعال است، فروردین ماه امسال کتاب«روزی که مسیح را دیدم»را که داستانی درباره حضرت امام(ره)است‏ توسط موسسه تنظیم و نشر آثار امام روانه بازار کتاب کرده بود.

طاهره ایبد:

داستان مستند

نوشتن داستان بر اساس حوادث هم کار جالبی‏ است.طاهره ایبد که سال 72 نیز تعدادی داستان‏ بر همین منوال نوشته بود،35 داستان جدید آماده‏ کرده است.او مجموعه طنز«یه قول،دو قول»را نیز آماده چاپ کرده است.

آخرین کتابهای ایبد«عمو نوروز بانشسته می‏شود» و«رابین‏هود کوچک»را سال گذشته چاپ کرده‏ است و داستان طنز«همان حسنک کجایی؟»هم‏ در به نشر آماده چاپ دارد.

سید علی کاشفی:

کوله‏بار کتاب‏ها

علی کاشفی که از مدتی قیل مسئولیت تاتر مذهبی‏ کشور را ینز به عهده گرفته است،مشغول نوشتن‏ زندگی‏نامه آیت‏الله بروجردی برای کتاب رشد است.او که از مدتی قبل با تحقیق روی متون‏ «حمله حیدری»علاقه‏مندی خود به حوزه تصحیح‏ متون را نشان داده بود،به سراغ حج‏نامه‏ها رفته‏ است تا این متون را به شکل تحقیقی در مجموعه‏ زبان مادری منتشر کند.

کاشفی کتابهای زیادی را هم آماده نشر دارد از جمله کتابهای«در حوالی داستان»،«مجموعه نقد و تئوری درباره داستان»،گردآوری سه کتاب نقد درباره ابراهیم حسن بیگی،سید مهدی شجاعی‏ و راضیه تجار،شماره یازده گاهنامه قلمرو ادبیات‏ کودک در انتشارات سوره مهر آماده چاپ هستند. قصه مذهبی«مهمان»در نشر قو،داستان تکودکی‏ امام موسی‏بن‏جعفر(ع)در نشر اسپید،تاریخ‏ سینمای ایران برای نوجوانان در نشر نیستان،حمله‏ حیدری در کتابخانه مجلس و فهرستگان نمایش‏ کودک و نوجوانان در مرکز هنرهای نمایشی.او همچنین دو کتاب«گزارش نقد ادبیات کودک در سال‏های پس از انقلاب»با حجم 1000 صفحه و «از باب قرائت احوال»که تحقیقی است درباره‏ مطالب کودکان د رنشریات پیش از مشروطه ار مهیا کرده است اما فعلا برای آنها ناشری ندارد. حسن احمدی:

تا بعد

حسن احمدی که چشم انتظار چهار کتاب از آثار خودش است،این ایام را صرف تدوین مجموعه‏ بلند داستانی‏اش برای شبکه دوم سیما است و فعلا کار تازه‏ای نمی‏نویسد.

احمدی کتابهای«آینه برای آدم‏های خوش‏بخت‏ است»و«در هوای بارانی»را در انتشارات روزگار و«کسی در آینه»را در به نشر و«تک درخت سیب» را در مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام آماده انتشار دارد.

او بعد از داستان«بزرگ مردان کوچک»که سال‏ قبل توسط پالیزان منتشر شد کتاب دیگری منتشر نکرده است.

باید همین روزها منتظر انتشار داستان زندگی‏ حضرت یعقوب(ع)با روایت دکتر پرویز توسط کیهان باشیم.او که این‏ روزها حسابی فعال است، فروردین ماه امسال کتاب‏ «روزی که مسیح را دیدم»را که داستانی‏ درباره حضرت امام(ره) است توسط موسسه‏ تنظیم و نشر آثار امام‏ روانه بازار کتاب کرده بود